



**سیر و صور نقاشی ایران**  
**زیر نظر: آرتور اپهام پوپ**  
**ترجمه یعقوب آژند**  
**انتشارات مولی**

کتاب هنر ایران A survey of Persian Art فراهم آورده‌ی آرتور اپهام پوپ را می‌توان از جمله معدود آثاری دانست که درباره‌ی هنر ایران پدید آمده است. این مجموعه نخستین بار در سال ۱۹۳۸-۳۹ م. در ۶ جلد قطع بزرگ و حجیم انتشار یافت و سپس در سال ۱۹۶۵ م. در ۱۶ جلد تنظیم شد. این اثر حاصل پژوهش شصت و نه تن محقق و هنرشناس جهان در قلمرو هنر ایران از دوران نوسنگی تا سده‌ی نوزدهم است. در این کتاب معماری، نقاشی و هنرهای صناعی ایران به طور مجزا در طول زمان و در یک طرح کلی ارزیابی شده است.

کتاب تحت این عناوین ارائه شده است:

فصل اول: نقاشی و کتاب‌آرایی

خاستگاه‌ها: سرتامس آرنولد، هنر مانوی و پیوند آن با هنر ایران: یوگومونره دوویلار، تاریخ نگاری و طراحی: ارنست کونل، سده هفتم/ سیزدهم، دوره ایلخانان، مکتب آل جلاپور، دوره تیموری، مکتب تبریز، مکتب هرات، بهزاد و مکتب او، مکتب بهزاد در بخارا، دوره صفویان، مکتب تبریز، رضا عباسی و مکتب او، نگارگری و طراحی بعد از صفویان، بررسی تاریخی: یدآگذار، تصاویر گل و مرغ: فیلیس اکرم، تأثیر شعر و کلام بر نقاشی ایران: سرتامس آرنولد، خصایص زیبایی در نقاشی ایران: لارنس بیتون، رنگبزه و مصالح: آ. ب. لاری، تدارک مواد نگارگر: ج. طاهرزاده بهزاد، قلم مو، رنگ‌ها، رنگ‌طلاپی، کاغذ آهارزده، کاغذ زرافشان، کاغذ ابری، فن نقاشی زیرلاکی.

فصل دوم: تأثیر اسلامی در دگرسانی میانی

شمایل‌نگاری ایرانی: لوئی ماسینیون، مانویت همچون انگیزه‌ای فرهنگی، مکتب کوفه، کوفه خاستگاه نقاشی اسلامی.

فصل سوم: فن تذهیب و نسخه‌پردازی: ریچارد آتینگهاوزن صدر اسلام، قرآن‌های کوفی، دوره سلجوقی، دوره مغول، دوره تیموری، دوره صفوی.

فصل چهارم: فن تجلید: امیل گرتسل

خاستگاه‌ها، اوج اعلائی جلدآرایی در هرات سده‌ی نهم

هجری، فن تجلید، جلدهای چرمی سده‌ی دهم هجری، جلدهای

زیرلاکی از قرن دهم تا سیزدهم هجری، قابیده‌های تزئینی جلدها

خود وفاست. جو، حجاب خلوص نیست و سایه و روشن جلای رنگ نمی‌زداید. نور از جایی نمی‌تابد و سهمی از چیزی را در سایه نمی‌برد. آفتاب اگر هست، به پای اشیا، سایه نیست. آتش به گردِ ابر خود پرتو نمی‌پاشد. اگر اندک سایه روشنی در تنه درختان و در تخته‌سنگ‌ها و در صورت آدمیان یا پیکر جانداران است، آن سایه کنایه‌ای است به سایه. سایه - روشن صخره و درخت، در سرشت صخره و درخت است. این جا سایه، حریف همزاد نور نیست. آرزم نازک نور است و نقاشی از زمان مانی تا سده‌های اخیر، جای تجلی نور بود. بهشت نیازی به پرتو مهر و ماه ندارد. خود از درون نورافشان است. عناصر سازنده نقاشی ایران از آب‌تنی در نور به‌درآمده‌اند. در نقاشی ایرانی، آدم، عکس خود را در آب نمی‌بیند تا صفای حوض به هم نخورد. گیاه به زمین می‌خوابد تا پرده بر درخشش آب جو نکشد. برف می‌بارد، اما دانه‌هایش حجاب چهره پیکره‌ها نیست. به نقاشی ما دستی، پاکی رنگ نمی‌آلاید. شب نقاشی ما روز روشن است. هیچ رنگ آن شبانه نیست. شب‌روشن زمان است. از شب اشارتی به پرده عیان است و بس و آن هم شگفتا، اشارتی روشن: هلالی. شب چیزی جز حضور واژه «شب» نیست. باقی همه معنی اقلیم نور است.

نگارگری ما را تلفیق عقلی نیست. صورتگر نگارگر بت های ذهنی خود را جدا جدا در پرده می نشاند. مکان این بت ها یگانه نیست. وقتی که نقشی به سپیدی پرده آمد، چشم به راه نقش دیگر نیست. تنهایی خود را پذیراست. جویبار در مسیر انفسی خود جاری است. دست آدم نزدیک به آن نمی رسد. و از تری آن بهره نمی گیرد. چون آدم در پلانی دیگر است و بیهوده خیال دست و رو سستن به سر دارد. عکس اشیا در آب نمی افتد، چرا که میان آب و اشیا فاصله روانی بسیار است. پرنده روی درخت، از درخت جداست. بر خاطره ازلی درخت نشسته است. آدم، روی زمین نیست. زبری زمین را به زیر پا حس نمی کند. ظرف میوه رو به روی آدم هاست، اما کس را پروای آن نیست که دست پیش برد زیرا می داند دسترس نیست. جام شراب در کف آدم است، اما به سر نمی کشد. آگه است که میان شراب و گلو بُعدی ناپیمودنی است. عود هرگز به صدا در نخواهد آمد، زیرا پنجه نوازنده هرگز به پلان سیم نخواهد رسید و مجنون از درندگان نمی هراسد. چون می داند که اینان برای دست یافتن بدو باید ابعاد ذهن نگارگر را بیمایند».

**منابع:**

۱. آموزش نگارگری اسلامی ایران
۲. پاکباز، روین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: نشر نارستان، ۱۳۷۹
۳. الماسی، مهدی. سیری در نگارستان نقاشی ایرانی، تهران، ۱۳۸۳
۴. آژند، یعقوب. سیری در نگارگری ایران، مقاله
۵. سپهری، سهراب، اطاق آبی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹
۶. ا.م کورکیان و ژ.پ سیکر، باغ‌های خیال (هفت قرن مینیاتور ایران)، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران: انتشارات فرزانه، ۱۳۷۷
۷. پاکباز، روین. دایره‌المعارف هنر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸



از سده‌ی دهم هجری به بعد، فهرست جلد‌های تاریخ‌دار و قابل تاریخ‌گذاری ایران. واژه نامه، فهرست اعلام، تصویرها.

به باور مترجم کتاب: هنوز هم پس از گذشت نیم قرن از انتشار نخست بررسی هنر ایران، می‌توان در آن قدرت دید و استحکام شیوه‌ی پژوهش و نظرات نو را مشاهده کرد. اما نکته اینجاست که این مجموعه جز بخش‌هایی از آن به فارسی برگردان نشده است. بعضی را اعتقاد بر این است که نظریات آمده در آن به دلیل گذشت زمان از حیز انتفاع ساقط است و بهتر آن است که به آثار و تحقیقات جدید تکیه کنیم. ولی حقیقت این است که شالوده‌ی این نوع در عالم پژوهش‌های ایران چنان محکم و استوار است که آثار جدید کلی بر ساخته‌ی مطالب آنهاست. این نکته را نباید مغفول گذاشت که مطالعات و تحقیقات ایران‌شناسان آغاز سده‌ی بیستم بر پایه‌ی محکم متکی بود و آنان به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی و منابع موجود آنها تسلطی به کمال داشتند و می‌توانستند به طور مستقیم به این منابع و مأخذ رجوع کنند، یعنی نکته‌ای که امروزه پژوهش‌های نسل جدید ایران‌شناسان اروپایی و آمریکایی فاقد آن است و آنان در واقع پخته خور آثار نسل پیشین خویش هستند. بر همین سیاق مباحث کتاب بررسی هنر ایران هنوز از عمق و بداعت ویژه‌ی برخوردار است که ترجمه‌ی آن را بسیار ضروری می‌نماید و آگاهی روشن و عمیقی از سجایای هنر ایران ارائه می‌دهد.

بر وفق این رویکرد بخش مربوط به نقاشی ایران برای ترجمه انتخاب شد. این بخش که تقریباً یک مجلد از جلد‌های شانزده‌گانه‌ی آن را شامل می‌شود در بردارنده‌ی مباحث گوناگونی از ایران‌شناسان است که عمر خود را در بررسی مصادیق گوناگون هنر ایران به سر آورده و از هرگونه کوشش و تلاش برای ارائه‌ی نگرش نو در عالم تحقیقات هنری فروگذار نکرده‌اند. نامس آرنولد، لوئی ماسینیون، مونره دوویلار، ارنست کونل، لارنس بینون و ریچارد اتینگهاوزن از نام‌آوران مطالعات و پژوهش‌های هنر ایران و اسلام برشمرده می‌شوند که زندگیشان را وقف بررسی هنر اسلامی و ایرانی و بازنمایی و بازجویی زنجیره‌ای از مراحل سنت دیرینه‌ی این هنر کردند و جستارها و گفتارهای بلیغ و ستودنی و نکته‌آموز پدید آوردند.

وی ادامه می‌دهد که در این بخش ویژگی‌ها و سجایای نقاشی ایران با قالب و اسلوبی علمی ردگیری شده و هر پژوهشگری پاره‌ای از این سنت را به نحوی مستوفی و مجاب‌کننده بازفرینی کرده است. تامس آرنولد که خود از کوشندگان هنر اسلامی و صاحب آثار چشمگیری در این حیطة است در ریشه‌یابی نگارگری ایرانی تا به دوران باستان پس‌نشسته و منشأ آن را در سنت نقاشی مانویان بازجسته است. ارزیابی سنت نقاشی مانوی هم در اختیار مونره دوویلار قرار گرفته تا با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی تورفان و پیرامون آن حق مطلب را به کمال ادا کند. ارنست کونل با بررسی تاریخی خویش از نگارگری ایران تا پایان دوران صفوی، از جهانی چند پایه و اساس نو در افکنده. اتینگهاوزن در ارزیابی تذهیب و نسخه‌پردازی به خصوص قرآن و سیر تاریخی آن، به واقع پرده‌گشای تصویر تذهیب شده و بخشی روشن‌گر و ارزیاب پیش رو نهاده است. حاصل سخن اینکه این جستارها و تلاش‌ها، دو وجه کلی، همه بر ساخته‌ی یکدیگرند و چگونگی نگارگری و نقاشی ایران را در بستر تاریخ با همه‌ی توجهات و تعلقات مقورن به موضوع فرا می‌نمایند.

مترجم در ترجمه‌ی این بخش مسایلی را مراعات کرده است که ضروری می‌نموده:

- عنوان (سیر و صور نقاشی ایران) از مترجم است که تقریباً همه‌ی مباحث این کتاب را دربر دارد.

- یک واژه نامه انگلیسی - فارسی مرکب اصطلاحات و تعابیر هنر نقاشی تهیه و در آخر کتاب گنجانده شد.

- تبدیل تواریخ میلادی به هجری قمری از مترجم است و گاه در خود متن اصلی نیز این تطبیق صورت گرفته بود.

- شماره تصاویر که در متن به آن‌ها ارجاع شده براساس صفحه‌بندی اصل کتاب است.

- ترجمه‌ی این نوع کتاب‌ها همواره با نوعی تحقیق همراه است و مترجم برای پرهیز از اشتباه به خصوص در اعلام و اسامی مدام به منابع اصلی و حتی خود به ارجاعات رجوع کرده است. کتاب آکنده از ارجاعات و زیرنویس‌های مفصل و جامع است.